

Article type: Research Article

Cite the article: Islami, S.S., Saeedi, M., Kouhestanian, Z., Tahaghoghi Haj Ghorbani, M. (2025). The effect of change of auditor on the relationship between manager ability and overconfidence and company non-continuity in Islamic environments. *Journal of Accounting, Auditing and Finance in islamic enviroments*, 2(6), 53-77.

## The effect of change of auditor on the relationship between manager ability and overconfidence and company non-continuity activities in Islamic environments

Seyede Sedighe Eslami<sup>1</sup>, Mojtaba Saeedi<sup>2</sup>, Zohre Koohestanian<sup>3</sup>, Mahdi Tahaghoghi Haj Ghorbani<sup>4</sup>

1. Master in Accounting, Faculty of Accounting & Management, Tabaran University, Mashhad, Iran. (Email: s.eslami199675@gmail.com).
2. Assistant Professor, Faculty of Accounting & Management. Tabaran University, Mashhad, Iran. (Email: mojtaba.saeedi@ut.ac.ir).
3. Assistant Professor, Faculty of Accounting & Management, Mashhad, Iran. (Email: 4636968@gmail.com).
4. Assistant Professor, Department Accounting, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Email: m.tahaghoghi@iau.ir).

### ABSTRACT

Received: 04/08/2024 – Reviewed: 02/01/2025 – Accepted: 19/01/2025

The main objective of this study is to investigate the effect of changing auditors on the relationship between management ability and overconfidence and company non-continuity activities listed on the Tehran Stock Exchange in Islamic environments. The statistical population is the companies admitted to the Tehran Stock Exchange and the time period is from 2014 to 2021. To collect the data needed to test the research hypotheses, the annual financial statements of the companies (from the Kodal website) and the website of the Stock Exchange Organization have been used. First, the used data were analyzed using quantitative methods, and then econometric models were used to test the hypotheses of this research and determine the relationship between independent and dependent variables. The results of the study show that management ability has a negative and significant effect on the company non-continuity activities in Islamic environments. Management overconfidence has a positive and significant effect on the company non-continuity activities in Islamic environments. Changing auditors does not have a significant effect on the relationship between management ability and the company non-continuity activities in Islamic environments. Changing auditors does not have a significant effect on the relationship between management overconfidence and the company non-continuity activities in Islamic environments.

**Keywords:** Auditor Change, Non-continuity of company activity, Management Ability, Management Overconfidence.



DOI: 10.22034/AAFIE.2025.471585.1048



©Authors retain the copyright and full publishing rights

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

استاد به مقاله: اسلامی، سیده صدیقه، سعیدی، مجتبی، کوهستانیان، زهره، مهدی، تحقیقی حاج قربانی. (۱۴۰۴). اثرگذاری تغییر حسابرس بر رابطه بین توانایی و بیش‌اعتمادی مدیر و تداوم نداشتن فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی. *حسابداری، حسابرسی و تأمین مالی در محیط‌های اسلامی*، ۲ (۶)، ۵۳-۷۷.

## اثرگذاری تغییر حسابرس بر رابطه بین توانایی و بیش‌اعتمادی مدیر و تداوم نداشتن فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی

سیده صدیقه اسلامی<sup>۱</sup>، مجتبی سعیدی<sup>۲</sup>، زهره کوهستانیان<sup>۳</sup>، مهدی تحقیقی حاج قربانی<sup>۳</sup>

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه غیرانتفاعی تابران، مشهد، ایران.
۲. استادیار گروه حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت، دانشگاه غیرانتفاعی تابران، مشهد، ایران.
۳. استادیار گروه حسابداری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر تغییر حسابرس بر رابطه بین توانایی و بیش‌اعتمادی مدیر و تداوم نداشتن فعالیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در محیط‌های اسلامی است. روش پژوهش حاضر، از نظر هدف، از نوع کاربردی و از لحاظ روش، از نوع همبستگی تحلیلی رگرسیون است. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ بوده است. در این پژوهش، متغیر وابسته «تداوم نداشتن فعالیت» است که برای اندازه‌گیری آن از نسبت زیان‌های انباشته به سرمایه شرکت استفاده شده است. متغیرهای مستقل پژوهش نیز «توانایی مدیریت» و «بیش‌اعتمادی مدیر» است. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش، از صورت‌های مالی سالانه شرکت‌ها و وب‌سایت سازمان بورس اوراق بهادار استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد «توانایی مدیر» بر تداوم نداشتن فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر منفی و معنادار و «بیش‌اعتمادی مدیر» بر تداوم نداشتن فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر مثبت و معنادار دارد. «تغییر حسابرس» بر رابطه بین توانایی مدیر و تداوم نداشتن فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر معناداری ندارد. «تغییر حسابرس» بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیر و تداوم نداشتن فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر معناداری ندارد.

**کلیدواژه‌ها:** تغییر حسابرس، تداوم نداشتن فعالیت شرکت، توانایی مدیر، بیش‌اعتمادی مدیر.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰



DOI: 10.22034/AAFIE.2025.471585.1048



©Authors retain the copyright and full publishing rights

## مقدمه

تداوم فعالیت و ورشکسته نبودن یک واحد اقتصادی، به سود آور بودن آن بستگی دارد. واحدهای زیان ده و واحدهای با کارایی و بهره‌وری پایین، ناگزیر به توقف عملیات هستند. تداوم فعالیت و ورشکستگی دو روی یک سکه‌اند و سهامداران یک شرکت همواره قیمت سهام را تحت تأثیر هر کدام از این دو احتمال بر آورد می‌کنند؛ به طوری که اگر شرکت در معرض ورشکستگی قرار داشته باشد، قیمت سهام آن با کاهش مواجه می‌شود و چنانچه نشانه‌هایی برای تداوم فعالیت آن دیده شود، قیمت سهام آن افزایش می‌یابد. طبق تعریف ولک و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) فرض تداوم فعالیت بیانگر این است که چنانچه شواهد متضادی در دسترس نباشد، شرکت فعالیت‌های خود را به طور نامحدود ادامه خواهد داد.

مطالعات درباره «بیش اطمینانی مدیر» نشان می‌دهد مدیران به چشم انداز آتی شرکت‌های خود اعتقاد زیادی دارند. بنابراین، جریان‌های نقدی مورد انتظار از پروژه‌های آینده را بیش از حد ارزیابی می‌کنند (رول<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶؛ هیتون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲ و مالمندیر و تیت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). در نتیجه، هنگام انجام سرمایه‌گذاری‌های شرکتی، بیش از حد خوشبین هستند. این مطالعات به طور کلی بر تأثیر بیش اطمینانی مدیر بر روی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها (مالمندیر و همکاران، ۲۰۱۱ و بن دیوید و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳) و اقدام‌های مالی مربوط به شرکت‌های آن‌ها، مانند مدیریت وجه نقد (آکتاس و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۹)، تصمیم‌های مربوط به پرداخت سود سهام (دشمخ و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳)، بازپرداخت بدهی (عطاءالله و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸)، مدیریت مالیات (هسیه و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۸) و متنوع‌سازی شرکت‌ها (آندرو و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۹) تمرکز دارد.

حسابرسان انگیزه‌هایی برای ارزیابی توانایی مدیر به عنوان مشتری دارند. مدیریت یکی از

1. Volk et al
2. Roll
3. Heaton
4. Malmendier and Tate
5. Ben-David et al
6. Aktas et al
7. Deshmukh et al
8. Ataullah et al
9. Hsieh et al
10. Andreou et al

منابع اصلی شواهد حسابرسی است. حساب‌رسان تمایل دارند اطلاعاتی را بررسی کنند که از سمت فردی با توانایی و شایستگی بالاتری باشد، زیرا این اطلاعات را قابل اعتمادتر می‌بینند و احتمال اظهار نظر دربارهٔ تداوم نداشتن فعالیت به واسطه توانایی مدیر کاهش می‌یابد (کریشنان و وانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). اظهار نظر تداوم فعالیت به‌طور مستقیم نمایانگر دیدگاه حساب‌رسان دربارهٔ عملکرد آتی شرکت است. بنابراین، ارتباط بین اعتماد بیش از حد مدیریتی و احتمال اصلاح تداوم فعالیت، نشانگر آن است که حساب‌رسان این ویژگی مدیریتی را علاوه بر سایر ویژگی‌های شرکت، هنگام ارزیابی توانایی شرکت برای ادامهٔ فعالیت به کار می‌گیرند یا خیر. اگر حساب‌رسان معتقد است دربارهٔ توانایی واحد تجاری برای ادامه فعالیت به مدت معقول شک و تردید اساسی وجود دارد، باید (۱) اطلاعاتی دربارهٔ برنامه‌های مدیر به دست آورد که قصد کاهش اثر چنین شرایط یا رویدادهایی را دارند، و (۲) ارزیابی احتمال اینکه چنین طرح‌هایی می‌توانند به‌طور مؤثر اجرا شوند. «شوارتز و منون»<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) بر شرکت‌های ورشکسته تمرکز کردند و دریافته‌اند که این شرکت‌ها بیشتر احتمال دارد حساب‌رسان خود را تغییر دهند تا شرکت‌های سالم. یکی از دلایل این ارتباط، افزایش اختلاف‌ها دربارهٔ گزارشگری مالی و صلاحیت حسابرسی بین مدیریت شرکت‌های ورشکسته و حساب‌رسان آن‌هاست. «سیترون و تافلر»<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) و «کارچلو و نیل»<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) به‌طور خاص شرکت‌هایی را که حساب‌رسان آن‌ها نظرهای تداوم فعالیت را برای آن‌ها صادر کرده‌اند، بررسی و دریافته‌اند احتمال بیشتری دارد که شرکت‌ها حساب‌رسان خود را پس از دریافت نظر تداوم فعالیت تغییر دهند. تغییر حساب‌رسان پس از اظهار نظر تداوم فعالیت، می‌تواند به دلیل تضاد بین مدیریت و حساب‌رسان دربارهٔ اظهار نظر حسابرسی باشد. از طرفی، مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، نسبت به سایر مدیران کمتر احتمال دارد که رفتارهای پیش‌بینی سود خوشبینانه خود را پس از مواجهه با خطاهای پیش‌بینی ناشی از خوش‌بینی آن‌ها تغییر دهند. این نشان می‌دهد که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، تمایل دارند تعصب خوشبینانه خود را حتی پس از

---

1. Krishnan & Wang  
 2. Schwartz & Menon  
 3. Citron & Taffler  
 4. Carcello & Neal

دریافت بازخورد اصلاحی، حفظ کنند. بنابراین، انتظار می‌رود تعارض بین مدیر و حسابرِس پس از صدور اظهارنظر تداوم فعالیت، زمانی که مدیر به‌ظاهر بیش از حد مطمئن باشد، تشدید شود و از این‌رو، احتمال برکناری حسابرِس توسط صاحبکار بیشتر است (چن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵). بر اساس توضیحات ارائه‌شده، انتظار می‌رود ویژگی‌های شخصی مدیر بتواند بر تصمیم شرکت برای خاتمه‌دادن به رابطه با حسابرِس پس از اظهارنظر، تأثیر بگذارد. با توجه به مطالب بیان‌شده و پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته، پرسش اصلی پژوهش به قرار زیر است: «آیا تغییر حسابرِس می‌تواند رابطه بین توانایی و بیش‌اعتمادی مدیر با تداوم‌نداشتن فعالیت شرکت را در محیط‌های اسلامی تعدیل کند؟»

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### تداوم فعالیت

استقرار و نهادینه‌شدن تصمیم‌های مدیر و اقدام‌های بخش‌های عملیاتی شرکت مبتنی بر رویکرد ریسک‌محور، نه تنها از الزام‌های موفقیت شرکت‌ها در دستیابی به هدف‌هاست، بلکه از ضروریات تداوم موفقیت شرکت‌ها و کاهش ریسک تداوم فعالیت است. در تعریف فرض تداوم فعالیت آمده است که فعالیت یک شرکت تا آینده نامحدود ادامه دارد، مگر اینکه شواهدی خلاف آن را اثبات کند (بهارمقدم و همکاران، ۱۳۹۶). بر این اساس، سود واقعی و صحیح یک شرکت را نمی‌توان محاسبه کرد، مگر زمانی که فعالیت شرکت متوقف و شرکت تسویه شود؛ یعنی سود واقعی تنها زمانی می‌تواند محاسبه شود که جریان فعالیت‌های واحد تجاری متوقف شود. بنابراین، برای کسب سود، جریان‌داشتن فعالیت‌های واحد تجاری یک «ضرورت» است. به عبارتی، فرایند کسب سود یک فرایند مستمر است که لازمه و ضرورت آن، تداوم فعالیت شرکت است (مرادزاده‌فرد و صیادی، ۱۳۹۲).

وقایع پرچالش محیط‌های اقتصادی و اجتماعی، در کنار پیچیدگی‌های محیط رقابتی، مدیریت ریسک تداوم فعالیت در شرکت‌ها را به سطح بسیار بااهمیتی ارتقا داده است.

بحران‌های پی‌درپی محیط بیرونی در سال‌های اخیر، چه ناشی از وقایع طبیعی و چه ناشی از رکودهای اقتصاد کلان، چالش‌های بسیار سهمگینی را در تداوم فعالیت شرکت‌ها پدید آورده است. همان‌گونه که این بحران‌ها تأثیرهای زیادی بر شرکت‌ها داشته‌اند، موجب پیشرفت و ارتقای هرچه‌بیشتر دانش مدیریت ریسک تداوم فعالیت شده و ابزارها و شیوه‌های مدیریت شرکت‌ها را در مدیریت بحران‌ها توسعه داده‌اند (مالمندیر و تیت، ۲۰۰۵).

صورت‌های مالی به‌عنوان هسته مرکزی گزارشگری مالی، حاوی اطلاعاتی درباره وضعیت مالی و عملکرد مالی بنگاه‌های اقتصادی است که به‌منظور استفاده طیف وسیعی از استفاده‌کنندگان نظیر سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دولت، تهیه و ارائه می‌شود (نمازی، ۱۳۹۰). اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی، یکی از پایه‌های مهم اتخاذ تصمیم‌های منطقی به‌شمار می‌رود (خانی و صدری، ۱۳۹۹). حسابرس مستقل، نظر حرفه‌ای خود را درباره اعتبار صورت‌های مالی در قالب گزارش حسابرسی ارائه می‌کند (بزرگ اصل، ۱۳۸۵). در نتیجه، استفاده‌کنندگان می‌توانند با ضریب اطمینان بیشتری از اطلاعات استفاده کنند. اعتماد استفاده‌کنندگان به کیفیت و استفاده آنان از اطلاعات حسابداری، به شکوفایی کامل ارزش نهفته اطلاعات حسابداری منجر می‌شود.

«نعمت‌نژاد و همکاران» (۱۴۰۰) در پژوهش خود تأثیر ریسک تداوم فعالیت و روابط سیاسی بر روابط بین کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد کیفیت حسابرسی دارای اثر مثبت و ارتباط‌های سیاسی و ریسک تداوم فعالیت دارای اثر منفی و معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی است.

«کارچلو و نیل» (۲۰۰۳) به‌طور خاص شرکت‌هایی را که حسابرسان آن‌ها نظرهای تداوم فعالیت را برایشان صادر کرده‌اند، بررسی و دریافته‌اند که شرکت‌ها احتمال بیشتری دارد که حسابرسان خود را پس از دریافت نظر تداوم فعالیت، تغییر دهند.

## توانایی و بیش اعتمادی مدیر

وضعیت توانایی مدیر یک موضوع پژوهشی مهم در زمینه مدیریت است. وضعیت توانایی مدیر به لحاظ اینکه دانش کلیدی مورد نیاز یک کارمند یا یک سازمان را برای دستیابی به اهدافش تعیین می کند، می تواند سهم مهمی در سطح سازمانی و فردی داشته باشد. برای تحقق هدف های سازمانی، افراد لایق و کاردان باید در رأس امور قرار گیرند. بدیهی است، جز یک مدیر شایسته، شخص دیگری قادر به تحقق انتظارات های یک سازمان نخواهد بود و مدیر شایسته کسی است که هم دانش مدیریت داشته باشد و هم بتواند از تجربه ها استفاده مطلوب ببرد. بنابراین، تحقق هدف های سازمانی نیازمند مدیرانی است که از توانمندی، تجربه، دانش و مهارت های مدیریتی برخوردار باشند. شناخت ابعاد توانایی های مدیریتی، هم برای توسعه و هم برای ارزیابی مدیران، عامل اساسی به شمار می رود (چانگ و همکاران، ۲۰۰۲). برای انتخاب افراد شایسته باید ضابطه و ملاک موجود باشد و این ضوابط باید به گونه ای انتخاب شوند که قابل سنجش باشند. لذا، انتظار می رود زمانی که مؤلفه ها و محورهای شایستگی تعیین می شود، انتخاب و انتصاب مدیران با توجه به این مؤلفه ها صورت گیرد (ترکمندی، ۱۳۸۹). توانایی ها مجموعه ای از دانش و مهارت ها در یک شغل خاص است که به شخص اجازه می دهد در انجام وظایف خویش به موفقیت دست یابد (بهار مقدم و همکاران، ۱۳۹۶). بر همین اساس، شناسایی مجموعه توانایی های مدیران به جهت نقشی که در اثربخشی سازمان دارد، اهمیت ویژه ای دارد (کریمی، ۱۳۸۶). «کوهن» می گوید: سازمان ها در حال بررسی و مطالعه این مهم هستند که چگونه می توانند افراد لایق را حفظ کنند (لینک و همکاران، ۲۰۰۸).

بیش اعتمادی به توانایی ها می تواند ویژگی خوبی باشد و باعث شود که فرد احساس خوبی درباره خودش داشته باشد و چارچوب مناسبی برای مواجهه با تجربه های زندگی به دست آورد. اما متأسفانه، برخورداری از بیش اعتمادی درباره سرمایه گذاری می تواند به ایجاد اشتباه در این زمینه منجر شود. مدیران ریسک گریز تمایل دارند اختیار خرید سهام را

زودتر اعمال کنند، اما مدیرانی که به صورت داوطلبانه اختیارات خرید سهام ارزشمند خود را به مدت طولانی‌تری حفظ می‌کنند، احتمالاً نسبت به توانایی‌های خود و چشم‌انداز شرکت بیش‌اطمینان هستند (مالمدیر و تیت، ۲۰۰۵؛ مالمدیر و همکاران، ۲۰۰۷ و احمد و دوئلمن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳). معیار دیگر بیش‌اطمینانی، خالص خرید سهام شرکت توسط مدیر است؛ مدیران بیش‌اطمینان نسبت به سایر مدیران، سهام شرکت خود را بیشتر می‌خرند (احمد و دوئلمن، ۲۰۱۳). شهرت رسانه‌ای و پاداش نسبی مدیران معیار دیگری است که برای سنجش بیش‌اطمینانی مورد استفاده قرار گرفته است. انتظار بر این است مدیرانی که ارزیابی عملکرد بالایی دارند، پاداش زیادی دریافت می‌کنند و شهرت رسانه‌ای خوبی دارند، تمایل بیشتری به بیش‌اطمینانی داشته باشند (مالمدیر و تیت، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷). معیارهای دیگری که در ادبیات موضوعی برای سنجش بیش‌اطمینانی معرفی شده است، شامل سوگیری در پیش‌بینی سود مدیریت (تفاوت بین سود پیش‌بینی شده و سود واقعی) و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری شرکت است (بن‌دیوید و همکاران، ۲۰۱۳؛ مالمدیر و تیت، ۲۰۰۵ و کمپل و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). اطمینان بیش از اندازه مدیر به این معناست که آن‌ها تخمین بیش از حدی درباره جریان‌های نقدی و سودآوری آتی واحدهای تجاری داشته باشند (دشماخ و همکاران، ۲۰۱۳). این روند می‌تواند به دلایلی همچون مخفی کردن برخی از ریسک‌ها، یکی از عوامل سوق‌دهنده شرکت به سمت درماندگی مالی و در نهایت ورشکستگی و عدم تداوم فعالیت به‌شمار آید (ترابی و جلالی، ۱۳۹۵).

«کیم»<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) به تحقیقی با عنوان تأثیر توانایی و اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی بر تصمیم‌های جاری و بازده حسابرس پرداخت. نتایج نشان داد این احتمال وجود دارد که حسابرسان زمانی که با مدیرانی به‌ظاهر با اعتماد به نفس بیش از حد ناکارآمد مواجه هستند، درباره ادامه فعالیت شرکت‌ها اظهار نظر نامطلوب ارائه کنند. علاوه بر این، این احتمال وجود دارد که حسابرسان پس از ارائه این اظهار نظر، در شرکت‌هایی که در ظاهر مدیریتی با اعتماد

---

1. Ahmed and Duellman  
2. Campbell et al  
3. Kim

به نفسِ بیش از حد دارد، تغییر کنند.

## تغییر حسابرِس

با توجه به اینکه در زمینه حسابرِس، ترازوی قدرت تقریباً همیشه به طرف صاحبکاران است، در صورت وجود مجادله بین حسابرِس و صاحبکار، مدیر ممکن است از طریق تهدید به خاتمه کار با حسابرِس، وی را مجبور به پذیرش رویه‌های حسابداری کند (دیویدسون و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). در صورتی که مدیر در انجام این کار موفق نشود، با اعمال قدرت خود ممکن است حسابرِس را برکنار و حسابرِس انعطاف‌پذیرتری را جستجو کند (خوشکار و همکاران، ۱۳۹۹). از این رو، انتقادهایی وجود دارد مبنی بر اینکه افزایش تغییر حسابرِس در سال‌های اخیر، به توانایی حسابرِس در ایفای نقش مهم اعتباردهی به صورت‌های مالی صدمه می‌زند. این انتقادهای بر اساس این عقیده قرار دارد که تغییر حسابرِس باعث کاهش استقلال حسابرِس و صاحبکار و در نتیجه بی‌اعتبار شدن صورت‌های مالی می‌شود. از سوی دیگر، مقام‌های قانونگذار نگران این هستند که افزایش فراوانی تغییر حسابرِس، اعتماد استفاده‌کنندگان به کلیه صورت‌های مالی - نه فقط صورت‌های مالی شرکت‌های تغییردهنده حسابرِس - را کاهش دهد. از این رو، با توجه به اینکه این موضوع، فلسفه وجودی حسابرِس را متزلزل می‌کند، بررسی پدیده تغییر حسابرِس و دلایل آن از اهمیت خاصی برخوردار است. برای مطالعه و بررسی دلایل تغییر حسابرِس، درک عوامل توجیه‌کننده تقاضا برای حسابرِس، عوامل و ویژگی‌های مؤثر در انتخاب حسابرِس و مزایای حاصل از حفظ حسابرِس، ضروری است (مهدوی و ابراهیمی، ۱۳۸۹).

انتخاب حسابرِس یک تصمیم مهم در عمر شرکت است و تصمیم به تغییر حسابرِس نباید با بی‌دقتی انجام شود (دیویدسون و همکاران، ۲۰۰۶). ویژگی‌های مدیر، از جمله توانایی و اعتماد به نفس، می‌تواند بر تغییر حسابرِس اثرگذار باشد (سیلوستر و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹). بیش اطمینانی مدیر باعث می‌شود مدیران، سوگیری خوشبینانه‌ای نسبت به آینده نشان دهند

(آندرو و همکاران، ۲۰۱۹).

«خانی و صدری» (۱۳۹۹) در پژوهش خود رابطه کیفیت حسابرسی (اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرسی در صنعت) با اظهار نظر حسابرسی نسبت به تداوم فعالیت را بررسی کردند. نتایج حاصل نشان داد بین تخصص حسابرسی در صنعت و ابهام در تداوم فعالیت، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با این حال، شواهد قابل اتکایی یافت نشد که نشان دهد دوره تصدی حسابرسی و حق الزحمه غیرعادی حسابرسی، سبب کاهش ابهام در تداوم فعالیت می‌شود.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس روش پس‌آزمون، زمانی صورت گرفته است که در اجرای آن، پژوهشگر موضوع را پس از وقوع رویدادها بررسی می‌کند و هیچ یک از متغیرهای پژوهش دستکاری و کنترل نمی‌شود. از طرفی، این پژوهش، کاربردی است و برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این روش، از مقاله‌های موجود در نشریات معتبر که از سایت‌های علمی اینترنتی اخذ گردیده است، به‌علاوه مجله‌های علمی، نمایه‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های مرتبط با موضوعات، استفاده شده است. اطلاعات مالی مورد نیاز، از طریق مراجعه به صورت‌های مالی حسابرسی شده، یادداشت‌های توضیحی همراه با صورت‌های مالی، گزارش‌های بورس اوراق بهادار، گزارش فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌ها، صورت‌جلسات مجامع عمومی شرکت‌ها، سایت سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و سامانه جامع اطلاع‌رسانی ناشران (کدال) و نرم‌افزار ره‌آورد نوین، گردآوری شده است.

## فرضیه‌های پژوهش

به‌منظور دستیابی به هدف‌های پژوهش و با توجه به پیشینه پژوهش، فرضیه‌های زیر مطرح است:

فرضیه ۱: توانایی مدیر بر تداوم‌نداشتن فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر منفی و معناداری دارد.

فرضیه ۲: بیش‌اعتمادی مدیر بر تداوم‌نداشتن فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه ۳: تغییر حسابرِس بر رابطه بین توانایی مدیر و تداوم‌نداشتن فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر معناداری دارد.

فرضیه ۴: تغییر حسابرِس بر رابطه بین بیش‌اعتمادی مدیر و تداوم‌نداشتن فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر معناداری دارد.

### جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ است. نمونه مورد استفاده نیز از طریق روش حذف سیستماتیک از جامعه آماری انتخاب خواهد شد؛ به این ترتیب که نمونه، متشکل از کلیه شرکت‌های موجود در جامعه آماری است که حایز شرایط زیر باشند:

۱. در طول دوره پژوهش، تغییر در دوره مالی نداشته باشند.
۲. جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها و مؤسسات مالی نباشند.
۳. دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان سال شمسی باشد.
۴. تا سال ۱۴۰۰ در بورس اوراق بهادار تهران فعال بوده و جزء شرکت‌های ورشکسته نباشد.

۵. در بازه زمانی ۳ ماهه مورد معامله قرار گرفته باشد.
  ۶. داده‌های مورد نیاز تحقیق موجود و گزارش شده باشد.
- با توجه به محدودیت‌های اعمال‌شده، تعداد ۱۲۷ شرکت انتخاب شدند. اطلاعات این شرکت‌ها از سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سایت بورس اوراق بهادار تهران و نرم‌افزارهای «دنا سهم»، «صحرا» و «تدبیرداز» جمع‌آوری شده است.

## متغیرهای پژوهش

### متغیر وابسته:

تداوم‌نداشتن فعالیت: در این پژوهش، مشابه با پژوهش‌های کیم (۲۰۲۱) و نعمت‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰) برای اندازه‌گیری متغیر «تداوم‌نداشتن فعالیت» از نسبت زیان‌های انباشته به سرمایه شرکت استفاده شده است. به عبارتی، مطابق ماده ۱۴۱ قانون تجارت، اگر زیان انباشته یک شرکت بیش از نصف سرمایه باشد، آن شرکت در معرض «تداوم‌نداشتن فعالیت» قرار می‌گیرد. در واقع، اگر شرکتی مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌شود.

### متغیرهای مستقل:

۱. **توانایی مدیر:** در پژوهش حاضر، به منظور اندازه‌گیری «توانایی مدیر» از مدل «دمرجیان و همکاران» (۲۰۱۲) استفاده شده است. در این مدل، با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چندمتغیره به عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیر محاسبه می‌شود. «دمرجیان و همکاران» (۲۰۱۲) به منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، از مدل تحلیل پوششی داده‌ها استفاده کرده‌اند. مدل تحلیل پوششی داده‌ها، نوعی مدل آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی، کاربرد دارد.

$$\max_v^\theta$$

$$= \frac{\text{sales}}{v_1 \text{COGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{NetPPE} + v_4 \text{R\&D} + v_5 \text{Goodwill} + v_6 \text{Intan}}$$

در این مدل  $\text{COGS}$  بهای تمام‌شده کالای فروش رفته در سال  $\text{SG\&A}$  هزینه‌های اداری و فروش و عمومی،  $\text{NetPPE}$  مانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات در ابتدای سال،  $\text{Intan}$  مانده خالص دارایی نامشهود در ابتدای سال. در این مدل برای هر کدام از متغیرهای ورودی ضریب  $v$  یکسان در نظر گرفته شده است. مقدار محاسبه‌شده برای کارایی شرکت در محدوده صفر تا ۱ قرار می‌گیرد که حداکثر کارایی برابر ۱ و هر چه مقدار

به دست آمده کمتر باشد، یعنی کارایی شرکت پایین تر است.

«دمرجیان و همکاران» (۲۰۱۲) به منظور کنترل اثر ویژگی های ذاتی شرکت در مدل خود، کارایی شرکت را به دو بخش جدا یعنی کارایی بر اساس ویژگی های ذاتی شرکت و توانایی مدیر، تقسیم کرده اند. آن ها این کار را با استفاده از کنترل پنج ویژگی ذاتی شرکت (اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات)) انجام داده اند. هر کدام از این پنج متغیر به عنوان ویژگی های ذاتی شرکت، می توانند به مدیر کمک کنند تا بهتر تصمیم بگیرد یا در جهت عکس عمل و توانایی مدیر را محدود کنند. در مدل زیر که «دمرجیان و همکاران» (۲۰۱۲) ارائه کرده اند، این پنج ویژگی کنترل شده است:

$$\begin{aligned}
 \text{firm efficiency}_{it} &= \beta_0 + \beta_1 \text{SIZE}_{it} + \beta_2 \text{marketShare}_{it} + \beta_3 \text{FCFI}_{it} \\
 &+ \beta_4 \text{age}_{it} + \beta_5 \text{FCI}_{it} + \varepsilon_{it}
 \end{aligned}$$

$\text{firm efficiency}_{it}$  عدد به دست آمده از مدل بهینه شده در معادله قبل است، که در آن  $\text{size}$  اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی های شرکت،  $\text{marketShare}_{it}$  سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت،  $\text{FCFI}_{it}$  متغیری دامی که در صورت مثبت بودن جریان های نقدی عملیاتی برابر یک و در صورت منفی بودن، برابر صفر در نظر گرفته شده است،  $\text{age}_{it}$  عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال هایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است،  $\text{FCI}_{it}$  نیز متغیر دامی است و برای شرکت هایی که صادرات (فروش با ارز خارجی) داشته اند، برابر یک در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است و باقی مانده مدل  $\varepsilon_{it}$  نیز نشان دهنده میزان توانایی مدیر است.

۲) **بیش اعتمادی مدیر:** به منظور محاسبه بیش اعتمادی مدیر مشابه با پژوهش های

«کیم» (۲۰۲۱) و «احمد و دوئل من» (۲۰۱۳) از خطای مدل زیر استفاده می شود:

$$\text{TAG} = \alpha_0 + \alpha_i \text{SG} + \varepsilon_i$$

$\text{TAG}$ : رشد جمع دارایی های سال جاری در مقایسه با سال قبل در هر شرکت؛

$SG$ : فروش سال جاری نسبت به سال قبال در هر شرکت؛

$\varepsilon_i$ : خطای مدل که نشان‌دهنده بیش‌اعتمادی مدیر است.

### متغیر تعدیلگر:

**تغییر حسابرسی:** مشابه با پژوهش «کیم» (۲۰۲۱) برای اندازه‌گیری تغییر حسابرسی،

به صورت زیر عمل شده است:

اگر حسابرسی شرکت در سال  $t$  تغییر کرده باشد، این متغیر یک در غیر این صورت صفر

است.

### متغیرهای کنترلی:

به منظور کنترل دیگر عوامل احتمالی مؤثر بر تداوم نداشتن فعالیت، متغیرهای زیر مشابه

پژوهش‌های «کیم» (۲۰۲۱)، «رید» و «یزگل» (۲۰۱۸) و «مرادزاده فرد و صیادی» (۱۳۹۲)

به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده‌اند.

۱. اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌ها؛

۲. عمر شرکت: لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های گذشته از زمان تأسیس شرکت؛

۳. زیان‌دهی: اگر شرکت در سال جاری زیان شناسایی کرده باشد، این متغیر یک است

در غیر این صورت صفر است؛

۴. بازده سهام: نسبت عایدی و افزایش قیمت سهام نسبت به ابتدای سال تقسیم بر قیمت

سهام در ابتدای سال؛

۵. نوسان‌های بازده سهام: انحراف معیار سه سال بازده سهام شرکت؛

۶. اهرم مالی: نسبت کل بدهی بر ارزش دفتری دارایی‌ها؛

۷. تغییر اهرم مالی: تغییرات اهرم مالی سال جاری و سال قبل تقسیم بر نسبت اهرم مالی

سال قبل؛

۸. بتا: بتای محاسبه‌شده توسط مدل  $CAPM$  که به وسیله نرم‌افزار رهاورد نوین گزارش

می‌شود؛

۹. اندازه حسابرسی: اگر حسابرسی شرکت سازمان حسابرسی باشد، این متغیر یک در غیر

این صورت صفر است؛

۱۰. مدیریت سود: برای محاسبه مدیریت سود بر اساس ارقام تعهدی، از مدل «کازنیک» (۱۹۹۹) استفاده شده است:

$$\frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} = \alpha_0 \left( \frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_1 \frac{(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})}{TA_{it-1}} + \alpha_2 \left( \frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left( \frac{\Delta CFO_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

$TAC_{it}$ : جمع ارقام تعهدی (سود عملیاتی منهای جریان‌های نقدی عملیاتی) در سال  $t$

برای شرکت تحت مطالعه  $i$

$TA_{it-1}$ : جمع دارایی‌های در سال  $t-1$  برای شرکت تحت مطالعه  $i$ ؛

$\Delta REV_{it}$ : تغییرات درآمد طی سال  $t-1$  تا  $t$  برای شرکت تحت مطالعه  $i$ ؛

$\Delta REC_{it}$ : تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی طی سال‌های  $t-1$  تا  $t$  برای شرکت‌های

تحت مطالعه  $i$ ؛

$PPE_{it}$ : مبلغ ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سال  $t$  برای شرکت‌های تحت

مطالعه  $i$ ؛

$\Delta CFO_{it}$ : تغییرات جریان نقد عملیاتی؛

$\varepsilon_{it}$ : مجموع خطای رگرسیون، نشان‌دهنده مدیریت سود شرکت است.

(۱) محدودیت مالی: منظور از محدودیت‌های مالی، محدودیت‌هایی است که مانع تأمین

همهٔ وجوه مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری‌های مطلوب برای شرکت‌ها می‌گردد. «جهانخانی

و کنعانی» (۱۳۸۴) مدل  $Zscore_{it}$  مدل کاپلان و زینگالس را بومی‌سازی و به صورت زیر

ارائه کردند:

$$Zscore_{it} = -0.026 \left( \frac{CF_{it}}{A_{it-1}} \right) + 4.114 \left( \frac{Div_{it}}{A_{it-1}} \right) + 2.853 \left( \frac{C_{it}}{A_{it-1}} \right) + 2.22 Lev_{it}$$

$\frac{CF_{it}}{A_{it-1}}$ : جریان وجه نقد شرکت بر ارزش دفتری کل دارایی‌های یک دوره قبل؛

$\frac{Div_{it}}{A_{it-1}}$ : سود تقسیمی شرکت بر ارزش دفتری کل دارایی‌های یک دوره قبل؛

$\frac{C_{it}}{A_{it-1}}$ : مانده وجه نقد پایان دوره شرکت بر ارزش دفتری کل دارایی‌های یک دوره

قبل؛

$Lev_{it}$ : ارزش دفتری کل بدهی به ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها

در تحقیق حاضر، با توجه به نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل موجود، از ۲ مدل رگرسیون استفاده می‌شود. مدل‌های تحقیق بر گرفته از تحقیق کیم (۲۰۲۱) بوده و به قرار زیر است:

$$GC_{it} = \beta_0 + \alpha_1 MA_{it} + \alpha_2 Autu_{it} + \alpha_3 MA_{it} * Autu_{it} + \beta_1 Size_{it} + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 LOSS_{it} + \beta_4 RET_{it} + \beta_5 VOLA_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 CLev_{it} + \beta_8 BETA_{it} + \beta_9 BIG_{it} + \beta_{10} ABSACC_{it} + \beta_{11} ZSCORE_{it} + \varepsilon_{it}$$

$$GC_{it} = \beta_0 + \alpha_1 OC_{it} + \alpha_2 Autu_{it} + \alpha_3 (Autu_{it} * OC_{it}) + \beta_1 Size_{it} + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 LOSS_{it} + \beta_4 RET_{it} + \beta_5 VOLA_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 CLev_{it} + \beta_8 BETA_{it} + \beta_9 BIG_{it} + \beta_{10} ABSACC_{it} + \beta_{11} ZSCORE_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول ۱: متغیرهای پژوهش

متغیر	تعریف متغیر
$GC$	تداوم نداشتن فعالیت
$MA$	توانایی مدیر
$OC$	بیش اعتمادی مدیر
$AUTU$	تغییر حسابررس
$SIZE$	اندازه شرکت
$AGE$	عمر شرکت
$LOSS$	زیان‌دهی
$RET$	بازده سهام
$VOLA$	نوسان‌های بازده سهام
$LEV$	اهرم مالی
$CLEV$	تغییر اهرم مالی
$BETA$	بتا

اندازه حسابر س	BIG
مدیریت سود	ABSACC
محدودیت مالی	ZSCORE

## یافته های پژوهش

### برآورد مدل اول برای بررسی فرضیه های اول و سوم پژوهش به روش

#### رگرسیون

متغیر وابسته در این مدل «تداوم نداشتن فعالیت» و متغیر مستقل «توانایی مدیر» است. «تغییر حسابر س» نیز متغیر تعدیل گر است. نتایج آزمون این مدل، در جدول ۲ آمده است. با توجه به اینکه ارزش احتمال محاسبه شده برای آماره نسبت درست نمایی مدل ( $LR$ ) کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، می توان نتیجه گرفت که کل مدل معنادار و از اعتبار بالایی برخوردار است. مقدار ضریب تعیین مک فادن نیز برابر با  $۰/۶۹$  و بیانگر این است که مجموعه متغیرهای توضیحی حدود ۶۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توجیه می کند.

همچنین، در جدول ۲ مشاهده می شود که ضریب برآورد شده برای متغیر «توانایی مدیر»  $-۰/۰۴۷$  و ارزش احتمال این ضریب برابر با  $۰/۰۱۱$  است. در نتیجه، سطح خطای این ضریب کمتر از ۵ درصد است که بیانگر آن است که «توانایی مدیر» بر «تداوم نداشتن فعالیت» شرکت در محیط های اسلامی تأثیر منفی و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه اول پژوهش تأیید می شود.

از طرفی، ضریب برآورد شده برای متغیر (تغییر حسابر س \* توانایی مدیر)،  $-۰/۴۲۵$  و ارزش احتمال این ضریب برابر با  $۰/۲۱۶$  است. در نتیجه، سطح خطای این ضریب بیشتر از ۵ درصد است که بیانگر آن است که تغییر حسابر س بر رابطه بین توانایی مدیر و «تداوم نداشتن فعالیت» شرکت در محیط های اسلامی تأثیر گذار نیست. در نتیجه، فرضیه سوم پژوهش رد می شود.

## جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون مدل اول به روش رگرسیون لاجیت

$$GC_{it} = \beta_0 + \alpha_1 MA_{it} + \alpha_2 Autu_{it} + \alpha_3 MA_{it} * Autu_{it} + \beta_1 Size_{it} + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 LOSS_{it} + \beta_4 RET_{it} + \beta_5 VOLA_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 CL_{it} + \beta_8 BETA_{it} + \beta_9 BIG_{it} + \beta_{10} ABSACC_{it} + \beta_{11} ZSCORE_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیرهای مدل	ضریب	خطای معیار	آماره $t$	احتمال
توانایی مدیر	-۰/۰۴۷	۰/۰۱۸	-۲/۵۳۵	۰/۰۱۱
تغییر حسابرِس	-۰/۰۹۳	۰/۱۶۴	-۰/۵۶۵	۰/۵۷۱
تغییر حسابرِس * توانایی مدیر	-۰/۴۲۵	۰/۳۴۴	-۱/۲۳۵	۰/۲۱۶
اندازه شرکت	۰/۱۷۳	۰/۱۲۵	۱/۳۷۹	۰/۱۶۷
عمر شرکت	-۰/۱۰۱	۰/۶۴۴	-۰/۱۵۷	۰/۸۷۴
زیاندهی	۰/۴۱۰	۰/۴۰۵	۱/۰۱۱	۰/۳۱۱
بازده سهام	۰/۱۱۶	۰/۱۱۰	۱/۰۵۲	۰/۲۹۲
نوسان‌های بازده سهام	-۰/۵۴۶	۰/۳۸۳	-۱/۴۲۴	۰/۱۵۴
اهرم مالی	۷/۳۱۶	۱/۴۲۵	۵/۱۳۲	۰/۰۰۰
تغییر اهرم مالی	-۰/۱۰۶	۰/۱۷۷	-۰/۵۹۸	۰/۵۴۹
بتا	۰/۲۲۹	۰/۲۱۴	۱/۰۷۳	۰/۲۸۳
اندازه حسابرِس	-۱/۱۴۷	۰/۶۳۰	-۱/۸۲۱	۰/۰۶۸
مدیریت سود	۳/۲۹۶	۲/۱۴۳	۱/۵۳۷	۰/۱۲۴
عرض از مبدأ	-۹/۹۶۷	۲/۸۶۵	-۳/۴۷۸	۰/۰۰۰
ضریب تعیین مک‌فادن	۰/۶۹۲		آماره $LR$	۱۳۸/۴۴۹
			ارزش احتمال	۰/۰۰۰

## برآورد مدل دوم برای بررسی فرضیه دوم و چهارم پژوهش به روش رگرسیون لاجیت

متغیر وابسته در این مدل «تداوم نداشتن فعالیت» و متغیر مستقل «بیش اعتمادی مدیر» است. «تغییر حسابرِس» نیز متغیر تعدیلگر است. نتایج آزمون این مدل، در جدول ۳ آمده است. با توجه به ارزش احتمال آماره  $LR$ ، می‌توان نتیجه گرفت که کلّ مدل معنادار و از اعتبار بالایی برخوردار است. مقدار ضریب تعیین مک‌فادن نیز برابر با ۰/۷۰ و بیانگر این است که مجموعه متغیرهای توضیحی حدود ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توجیه می‌کند. همچنین، در

جدول ۳ مشاهده می شود که ضریب برآوردشده برای متغیر «بیش اعتمادی مدیر»  $0/405+$  و ارزش احتمال این ضریب برابر با  $0/027$  است. در نتیجه، سطح خطای این ضریب کمتر از ۵ درصد است که بیانگر آن است که «بیش اعتمادی مدیر» بر «تداوم نداشتن فعالیت» شرکت در محیط های اسلامی تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نتیجه، فرضیه دوم پژوهش تأیید می شود.

از طرفی، ضریب برآوردشده برای متغیر (تغییر حسابرِس \* بیش اعتمادی مدیر)،  $-0/012-$  و ارزش احتمال این ضریب برابر با  $0/947$  است. در نتیجه، سطح خطای این ضریب بیشتر از ۵ درصد است که بیانگر آن است که «تغییر حسابرِس» بر رابطه بین «بیش اعتمادی مدیر» و «تداوم نداشتن فعالیت» شرکت در محیط های اسلامی تأثیرگذار نیست. در نتیجه فرضیه چهارم پژوهش رد می شود.

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون مدل دوم به روش لاجیت

$GC_{it} = \beta_0 + \alpha_1 OC_{it} + \alpha_2 Autu_{it} + \alpha_3 (Autu_{it} * OC_{it}) + \beta_1 Size_{it} + \beta_2 AGE_{it} + \beta_3 LOSS_{it} + \beta_4 RET_{it} + \beta_5 VOLA_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 Clev_{it} + \beta_8 BETA_{it} + \beta_9 BIG_{it} + \beta_{10} ABSACC_{it} + \beta_{11} ALTMANZ_{it} + \varepsilon_{it} + \varepsilon_{it}$				
احتمال	آماره t	خطای معیار	ضریب	متغیرهای مدل
0/027	2/210	0/183	0/405	بیش اعتمادی مدیر
0/802	0/250	0/119	0/029	تغییر حسابرِس
0/947	-0/065	0/184	-0/012	تغییر حسابرِس * بیش اعتمادی مدیر
0/362	0/910	0/133	0/121	اندازه شرکت
0/959	0/051	0/685	0/034	عمر شرکت
0/028	2/185	0/452	0/988	زیاندهی
0/725	0/351	0/116	0/040	بازده سهام
0/188	-1/314	0/308	-0/406	نوسان های بازده سهام
0/000	5/375	1/231	6/621	اهرم مالی
0/425	0/796	0/172	0/127	تغییر اهرم مالی
0/307	1/020	0/219	0/224	بتا

۰/۰۸۸	-۱/۷۰۴	۰/۶۳۲	-۱/۰۷۷	اندازه حسابر س
۰/۲۰۹	۱/۲۵۴	۱/۸۸۴	۲/۳۶۴	مدیریت سود
۰/۰۰۱	-۳/۱۰۴	۳/۱۲۸	-۹/۷۱۴	عرض از مبدا
۱۳۴/۷۱۶	آماره LR		۰/۷۰۱	ضریب تعیین مک‌فادن
۰/۰۰۰	ارزش احتمال			

## نتیجه گیری

در این پژوهش اثرگذاری «تغییر حسابر س» بر رابطه بین توانایی و «بیش‌اعتمادی مدیر» و «تداوم‌نداشتن فعالیت» شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران ارزیابی شد. از آنجاکه «تغییر حسابر س» متغیر تعدیل‌گر است، چهار فرضیه به‌صورت جداگانه ارزیابی گردید که نتایج آزمون هر یک به تفکیک به‌صورت زیر ارائه شده است:

۱. نتیجه آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد «توانایی مدیر» بر «تداوم‌نداشتن فعالیت» شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر منفی و معناداری دارد. به‌عبارتی، مدیری که دارای سطح توانایی مدیریت بالاتری است، قدرت ایجاد سودآوری بیشتر، تأمین مالی با هزینه کمتر و بهبود و کارایی عملیاتی در فعالیت‌های عملیاتی شرکت را دارد. از این‌رو، این شرکت با داشتن مدیر تواناتر می‌تواند موفق‌تر و پویاتر بوده و در نتیجه ریسک «تداوم‌نداشتن فعالیت» در آن کاهش می‌یابد، زیرا ریسک «تداوم‌نداشتن فعالیت» نشان‌دهنده وضعیت نامناسب شرکت و احتمال ورشکستگی آن در آینده نزدیک است. از این‌رو، مدیر با سطح توانایی مدیریتی بالاتر سبب می‌شود «تداوم‌نداشتن فعالیت» شرکت کاهش یابد. به این ترتیب، فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود و «توانایی مدیر» بر «تداوم‌نداشتن فعالیت» شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر منفی و معناداری دارد. نتیجه آزمون این فرضیه با نتیجه به‌دست‌آمده از پژوهش‌های «یاری و همکاران» (۱۴۰۰)، «بهارمقدم و همکاران» (۱۳۹۶) و «زمان و لنتنر» (۲۰۱۸) هم‌راستاست.

۲. نتیجه آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد «بیش‌اعتمادی مدیر» بر «تداوم‌نداشتن فعالیت» شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر مثبت و معناداری دارد. «بیش‌اعتمادی مدیر» نشان‌دهنده

اعتمادِ بیش از حدّ مدیر به تصمیم‌های خود و موقعیت شرکت است. این رویکرد غیرطبیعی سبب می‌شود مدیر اقدام‌های پرریسک انجام دهد و ممکن است تصمیم‌های نامناسب نسبت به شرایط شرکت، موقعیت صنعت و بازار بگیرد. از این رو، این اقدام می‌تواند شرکت را در مرحلهٔ پرریسک‌تری قرار دهد و زیان‌هایی را نیز به شرکت تحمیل کند. این نوع اقدام‌ها سبب می‌شود «تداوم‌نداشتن فعالیت» افزایش یابد و شرکت یک قدم به خطر ورشکستگی نزدیک‌تر شود. به این ترتیب، فرضیهٔ دوم پژوهش پذیرفته می‌شود و «بیش‌اعتمادی مدیر» بر «تداوم‌نداشتن فعالیت» شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتیجهٔ آزمون این فرضیه، با نتیجهٔ به‌دست‌آمده از پژوهش «کیم» (۲۰۲۱) هم‌راستاست.

۳. نتیجهٔ آزمون فرضیهٔ سوم نشان می‌دهد «تغییر حسابرِس» بر رابطه بین «توانایی مدیر» و «تداوم‌نداشتن فعالیت» شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر معناداری ندارد. نتیجهٔ آزمون این فرضیه، با نتیجهٔ به‌دست‌آمده از پژوهش «کیم» (۲۰۲۱) هم‌راستا نیست. «چی و شن» (۲۰۲۲) با استفاده از هوش مصنوعی ترکیبی و فناوری‌های یادگیری ماشین برای پایداری در پیش‌بینی دغدغه‌مند، فناوری‌های هوش مصنوعی و یادگیری ماشین را ادغام کردند. در مرحله اول، متغیرهای مهم توسط دو الگوریتم درخت تصمیم، درخت‌های طبقه‌بندی و رگرسیون (*CART*) و یک آشکارساز تعامل خودکار مربع چی (*CHAID*) انتخاب شدند. در مرحله دوم، مدل‌های طبقه‌بندی به ترتیب توسط تقویت گرادیان شدید (*XGB*)، شبکه عصبی مصنوعی (*ANN*)، ماشین بردار پشتیبان (*SVM*) و *C5.0* برای مقایسه ساخته و سپس متغیرهای مالی و غیرمالی برای ساختن مدل‌های تصمیم‌گیری نظری کارآمد اتخاذ شدند (که در پیش‌بینی دقیق‌تر هستند). موضوع مطالعه آن‌ها شرکت‌های بورسی و شرکت‌های فرابورس در تایوان با و بدون تداوم فعالیت از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ بود. با توجه به نتایج تجربی، از بین هشت مدل ساخته‌شده در این مطالعه، دقت پیش‌بینی از مدل *CHAID-C5.0* بالاترین (۹۵/۶۵٪) و پس از آن مدل (*CART-C5.0*) (۹۲/۷۷٪) است. «توانایی و پاسخگویی مدیریت» به‌عنوان شاخصی مهم در کاهش ریسک تداوم فعالیت شرکت‌ها، نمود دارد.

۴. نتیجهٔ آزمون فرضیهٔ چهارم نشان می‌دهد «تغییر حسابرِس» بر رابطه بین «بیش‌اعتمادی

مدیر» و «تداوم‌نداشتن» فعالیت شرکت در محیط‌های اسلامی تأثیر معناداری ندارد. نتیجه آزمون این فرضیه، با نتیجه به‌دست آمده از پژوهش «کیم» (۲۰۲۱) هم‌راستا نیست. «چن و همکاران» (۲۰۱۵) در پژوهش خود مشاهده کردند که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، نسبت به سایر مدیران کمتر احتمال دارد رفتارهای پیش‌بینی سود خوش‌بینانه خود را پس از مواجهه با خطاهای پیش‌بینی ناشی از خوش‌بینی آن‌ها تغییر دهند. این نشان می‌دهد که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، تمایل دارند تعصب خوش‌بینانه خود را حتی پس از دریافت بازخورد اصلاحی حفظ کنند. بنابراین، زمانی که مدیر ظاهراً بیش از حد مطمئن باشد، انتظار می‌رود تعارض بین مدیر و حسابرس پس از صدور اظهار نظر تداوم فعالیت، تشدید شود. از این رو، احتمال برکناری حسابرس توسط صاحبکار بیشتر است.

## منابع

- امیراسلانی، حامی. (۱۳۸۴). نقش اقتصادی حسابرسی در بازارهای آزاد و بازارهای تحت نظارت. مدیریت تدوین استانداردها، سازمان حسابرسی، ۲، ۲۶۶-۲۴۳.
- امیراصلاحی، حامد. (۱۳۸۴). خاستگاه و راه‌های برون‌رفت از بحران اعتباری و آینده مقررات‌گذاری نظام مالی. نشریه حسابدار، (۲۱۸)، ۷۷-۶۸.
- بزرگ‌اصل، موسوی. (۱۳۸۸). پیرامون حق‌الزحمه حسابرسی مستقل. نشریه حسابدار، (۲۱۰)، ۸۹-۷۴.
- بهارمقدم، مهدی، صالحی، تابنده، اعظمی، زینب. (۱۳۹۶). رابطه بین توانایی مدیریت، حق‌الزحمه حسابرسی و تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، (۲)۹، ۴۴-۲۳.
- ترابی، ابوالفضل، جلالی، حمید. (۱۳۹۵). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر ورشکستگی. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علم و تکنولوژی، روسیه.
- ترکمن‌دی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). آموزش مدیران با الگوی شایستگی، مدیریت آموزشی. ماهنامه تدبیر، (۱۷۹)۱۸، ۱۳۶-۱۰۷.
- خانی، ذبیح‌الله، صدری، ندا. (۱۳۹۹). رابطه کیفیت حسابرسی، اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرسان در صنعت با اظهار نظر حسابرسان نسبت به تداوم فعالیت. دانش حسابرسی، (۷۹)۲۰، ۴۷-۲۱.
- خوشکار، فرزین، هاشمی، علیرضا، رحیمی، علی. (۱۳۹۹). تأثیر استقلال حسابرسان بر رابطه بین چرخش مؤسسه حسابرسی و پایداری سود. فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، (۳۶)۳، ۸۶-۷۴.
- سازمان حسابرسی. (۱۳۹۲). استانداردهای حسابرسی.
- ستاری‌فرد، احسان. (۱۳۸۳). چرایی و چگونگی ارزیابی عملکرد در سازمان‌ها، تعمیرات و بازرسی. کنفرانس بین‌المللی

مدیریت، تهران.

فرشکاران، محمد. (۱۳۸۸). طرح جامع مالیاتی؛ جلوگیری از فرار مالیاتی و گسترش عدالت اجتماعی. نشریه تکفأ، (۲۷)، ۵۹-۳۱.

کرمی، مرتضی. (۱۳۸۶). آموزش مدیران با الگوی شایستگی. ماهنامه تدبیر، ۱۸ (۱۷۹)، ۱۷-۲۹.  
مرادزاده فرد، مهدی، صیادی، محمد. (۱۳۹۲). دیدگاه صاحب‌نظران درباره فرض تداوم فعالیت. نشریه حسابدار رسمی، (۲۲)، ۷۹-۸۷.

نعمت‌نژاد، معصومه، حاجی‌ها، زهره، کیانی، علی. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر ریسک تداوم فعالیت و روابط سیاسی بر روابط بین کیفیت گزارشگری مالی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. نشریه دانش حسابرسی، ۲۱ (۸۴)، ۸۸-۶۲.

نمازی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی روابط بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری و حسابرسی، ۴ (۹)، ۲۱-۴.

یاری، فاطمه، مهرآذین، علیرضا، یاری‌فرد، رضا، مسیح آبادی، ابوالقاسم. (۱۴۰۰). اشتباهات ریسک، ریسک تداوم فعالیت، توانایی و پاسخگویی مدیریت. حسابداری و منافع اجتماعی، ۱۱ (۲)، ۱-۲۰.

Ahmed, A. S., S. Duellman, (2013). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1-30.

Aktas, N., . Louca, C., Petmezas, D. (2019). CEO overconfidence and the value of cash holdings. *Journal of Corporate Finance*, 54(3), 85-106.

Andreou, P.C., Doukas, J.A., . Koursaros, D., C. Louca. (2019). Valuation effects of overconfident CEOs on corporate diversification and refocusing decisions. *Journal of Banking and Finance*, 100(4), 182-204.

Ataullah, A., Vivian, A., Xu, B. (2018). Time-varying managerial overconfidence and corporate debt maturity structure. *European Journal of Finance*, 24(2), 157-181.

Ben-David, W.E., Graham, J.R., Harvey, C.R. (2013). Managerial miscalibration. *The Quarterly Journal of Economics*. 128(5), 1547-1584.

Campbell, K., Vowinckel, J., Mülleder, M., Malmsheimer, S., Lawrence, N., Calvani, E., Miller-Fleming, L., T Alam, M., Christen, S., A Keller, M., Ralser, M. (2015). Self-establishing communities enable cooperative metabolite exchange in a eukaryote. *Elife*, 4(2), 128-153. <https://doi.org/10.7554/eLife.09943>

Carcello, J.V., Neal, T.L. (2003). Audit committee characteristics and auditor dismissals following “new” going-concern reports. *Account Rev*, 78(2), 95-117.

Carson, E., Fargher, N., Geiger, M., Lennox, C., Raghunandan, K., Willekens, M. (2013). Auditor reporting for going-concern uncertainty: A research synthesis. *Auditing. A Journal of Practice & Theory*, 32 (1), 353-384.

Chen, C.J.P., Su, X., Wu, X. (2015). Auditor Changes Following a Big 4 Merger with a Local Chinese Firm: A Case Study. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(1), 41-72.

- Der-Jang, C., De Shen, Z. (2022). Using Hybrid Artificial Intelligence and Machine Learning Technologies for Sustainability in Going-Concern Prediction. *Sustainability*, 14(3), 1810-1842.
- Chung, R., Firth, M., Kim, J.-B. (2002). Institutional monitoring and opportunistic earnings management. *Journal of Corporate Finance*, 8(2), 29–48.
- Citron, D. B., Taffler, R. J. (1992). The Audit Report under Going-Concern Uncertainties: An Empirical Analysis. *Accounting and Business Research*, 22(3), 337-345.
- Demerjian, P. R., Lev, B., Lewis, M. F., McVay, S. E. (2013). Managerial ability and earnings quality. *The accounting review*, 88(2), 463-498.
- Deshmukh, S., Goel, A., Howe, K. (2013). CEO overconfidence and dividend policy. *Journal of Finance Intermediation*, 22(3), 440-463.
- Ben-David, I., John Robert, G., Harvey, C.R. (2013). Managerial Miscalibration. *Quarterly Journal of Economics*, Forthcoming. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1640552>
- Heaton, J.B., (2002). Managerial optimism and corporate finance. *Financial Management*, 31(2), 33- 45.
- Hendry, G. D., Heinrich, P., Lyon, P.M. (2005). Helping students understand their learning style: Effects on study efficacy, Preference for group work, and group climate. *Educational Psychology*, 25(3), 395-407.
- Hribar, P., Yang, H. (2016). CEO Overconfidence and Management Forecasting. *Contemporary Accounting Research, Forthcoming Singapore Management University School of Accountancy Research Paper*, 12(2) ,268-283. <https://doi.org/10.2139/ssrn.929731>
- Hsieh, T., Wang, Z., Demirkan, S. (2018). Overconfidence and tax avoidance: The role of CEO and CFO interaction. *Journal of Accounting and Public Policy*, 37(2), 241-253.
- Canning, J.B. (1998). The Economic of Accountancy. *Ronald Press company*, 3(1), 189-90.
- Kim, M. (2021). Effects of managerial overconfidence and ability on going concern decisions and auditor turnover. *Advances in Accounting*, 54(3), 100-149.
- Krishnan, V. G., Wang, C. (2015). The Relation between Managerial Ability and Audit Fees and Going Concern Opinions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34(3), 139–160.
- Linck, J.S., Netter, J.M., Yang, T. (2008). The determinants of board structure. *Journal of Financial Economics*. 87(2), 308–328.
- Malmendier, U., Tate, G. (2005). CEO overconfidence and corporate investment. *The journal of finance*, 60(6), 2661-2700.
- Malmendier, U., Tate, G., Yan, J. (2011). Overconfidence and early-life experiences: The effect of managerial traits on corporate financial policies. *Journal of Finance*, 66(3), 1687-1733.

- Malmendier, U., Tate, G. (2009). Superstar CEOs. *The Journal of Economics*, 124(4), 1593–1638.
- Malmendier, U., Tate, G. (2005). CEO overconfidence and corporate investment. *The Journal of Finance*, 6(2), 2661-2700.
- Musvoto, S., Campus, W., Triangle, V., Gouws, D. G. (2011). Rethinking the going concern assumption as a pre-condition for accounting measurement. *International Business and Economics Research Journal*, 10(4),31-44.
- Myers S.C., N.S. Majluf. (1984). Corporate Financing and Investment Decisions When Firms Have Information That Investors Do Not Have. *Journal of Financial Economics*, 13(2), 187-221.
- Omer, T.C., Sharp, N.Y., Wang, D. (2018). The Impact of Religion on the Going Concern Reporting Decisions of Local Audit Offices. *J Bus Ethics*, 14(9), 811–831.
- Paton, W.A. (1994). Aspects of ASSET Valuation. *The Accounting Review*, 3(1), 124-173.
- Read, W.J., Yezegel, A. (2018). Going-concern opinion decisions on bankrupt clients: Evidence of long-lasting auditor conservatism?. *Advances in Accounting*, 40(3), 20-46.
- Roll, R. (1986). The hubris hypothesis of corporate takeovers. *Journal of Business*, 59(4), 197-216.
- Schwartz, K., Menon, K. (1985). Auditor Switches by Failing Firms. *The Accounting Review*, 5(2), 248 –263.
- Adalene Olivia, S., Machado Costa, C., Antônio Kronbauer, C. (2019). Audit Rotation And Earnings Quality: An Analysis Using Discretionary Accruals. *Brazilian Business Review*, 15(5), 410-426.
- Wolk, H., Tearney G, Micheal. (2006). *Accounting Theory*. Cincinnati: South-Western College Pub.
- Zéman, Z., Lentner, C. (2018). The changing role of Going Concern Assumption supporting management decisions after financial crisis. *Original scientific text*, 4(2), 428-441.